

اجرای برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی درس «دین و زندگی» در نظام آموزش و پرورش ایران؛ چالش‌ها و راهکارها^۱

زهرا اسلامیان*

محمود سعیدی رضوانی**

مرتضی کرمی***

دیوید ایونس****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌ها و موانع اجرای برنامه‌ی درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی درس «دین و زندگی» در نظام آموزش و پرورش ایران انجام شده است. در این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی و نمونه‌گیری هدفمند ملاک محور، دیدگاه بیست و سه نفر از متخصصان و دست‌اندرکاران حوزه‌ی تربیت دینی با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه بیان‌گر آن است که اجرای این رویکرد با چالش‌هایی قبل و حین اجرا مواجه است. چالش‌های قبل از اجرا عبارتند از ضعف در سیستم آموزشی و برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان، ضعف سیستم تربیت معلم در جذب و تربیت معلمان برخوردار از شایستگی حرفه‌ای، «کنکور» عاملی برای یکسان‌سازی، انعطاف ناپذیری اهداف و عدم استقلال معلم در انطباق دادن اهداف با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، حاکمیت رویکرد موضوع محوری در طراحی برنامه درسی، تمرکز محوری در تهیه محتوا و عدم توجه به مؤلفه‌های بوم شناختی، عدم تناسب محتوا با نیازهای گوناگون دانش‌آموزان، و چالش‌های حین اجرا نیز عبارتند از محدودیت در استفاده از مواد یادگیری متنوع آموزشی، ضعف دانشی و عملی معلمان در شیوه‌های تدریس، عدم «جذابیت و برانگیزانندگی» محیط یادگیری، عدم اختصاص زمان کافی به معلمان، تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس درس، عدم امکان استفاده کافی از فرصت‌های یادگیری برون مدرسه‌ای، ضعف ارتباط میان خانواده و مدرسه، محدودیت امکانات و تجهیزات آموزشی فن آورانه و روزآمد و حاکمیت شیوه ارزشیابی شناخت محور. همچنین جهت مقابله با این چالش‌ها راهکارهای مقتضی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، دین و زندگی، تفاوت‌های فردی، متمایز سازی برنامه درسی.

۱. این پژوهش برگرفته از پایان نامه دکتری رشته برنامه ریزی درسی و تحت حمایت پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد.

** دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشجوی دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی (نویسنده مسئول)
zahra.es68@gmail.com

** دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشیار مطالعات برنامه درسی و آموزش
saeedy@um.ac.ir

** دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشیار مطالعات برنامه درسی و آموزش
Mor.karami@gmail.com

*** دانشگاه سیدنی، دانشکده هنر و علوم اجتماعی، گروه تعلیم و تربیت و کار اجتماعی، استاد آموزش ویژه و فراگیر
david.evans@sydney.edu.au

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۷

مقدمه

امروزه داده‌ها و شواهد زیادی وجود دارد که حاکی از تنوع و تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان دانش‌آموزان است که به طور مداوم نیز در حال افزایش است (دیکسون و دیگران،^۱ ۲۰۱۴؛ پوزاس، لتزل و اشنایدر،^۲ ۲۰۲۰). دانش‌آموزان از نظر عملکرد، پیشینه فرهنگی، ترجیحات یادگیری، توانایی‌ها، انگیزه، علاقه، شایستگی‌های خود تنظیمی و سایر ویژگی‌ها، تفاوت‌های زیادی دارند (تاملینسن^۳ و دیگران، ۲۰۰۳؛ لوی، ۲۰۰۸؛ دایکسترا^۴ و دیگران ۲۰۱۶). نتایج پژوهش‌های مرتبط با مغز، نظریه‌های مربوط به سبک‌های یادگیری، هوش‌های چندگانه، نظریه‌های مربوط به نحوه یادگیری دانش‌آموزان، و استراتژی‌های متنوع آموزشی، سبب گردیده است تا برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی به یکی از موضوعات مهم محافل آموزشی تبدیل شود و توجه صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت سراسر دنیا را به خود جلب کند. زیرا با متمایز سازی برنامه درسی،^۵ اهداف تعلیم و تربیت بیشتر و بهتر محقق خواهد شد (تاملینسن، ۲۰۱۴، ص ۱۴۰).

آیزنر^۶ (۲۰۰۲) از صاحب‌نظران به نام حوزه برنامه درسی، با نگاهی انتقادی، برخورد یکسان با دانش‌آموزان در سیستم‌های آموزشی را مطرود خوانده است (مهر محمدی، ۱۳۷۸)، زیرا همانگونه که آنوکی،^۷ (۱۹۸۶) بیان می‌دارد اجرای طرح برنامه درسی به صورت یکسان برای همه، مستلزم کنار گذاشتن فردیت افراد است که این نوع دانستن و آگاهی مورد نظر در برنامه درسی، حضور زنده و با نشاط افراد را نفی می‌کند چون تنها به دنبال ابعاد فیزیکی، عقلانی و شناختی دانش‌آموزان است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲، ص ۲۴۷) و تحصیل دانش‌آموزان در شرایطی بی‌توجه به فردیت و هویت آن‌ها؛ منجر به ایفای نقش غیر واقعی آنها شده و سبب می‌شود تا مایل به یادگیری در چنین فضایی نباشند (سیرک،^۸ ۲۰۱۴). از طرف دیگر، جدا شدن ما از بسیاری از متغیرهای موجود در دنیای دانش‌آموز سبب می‌شود که فعالیت‌های ما در حوزه‌های تحقیق و تدریس، به اقداماتی تصنعی، ساختگی و ظاهر فریب مبدل گردد (ون منن،^۹ ۱۹۹۱، نقل از فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۲، ص ۲۵۵) و سبب شود برخی از دانش‌آموزان عقب بمانند، انگیزه خودشان را از دست بدهند و در رسیدن به موفقیت شکست بخورند (تاملینسن و کلبفلش،^{۱۰} ۱۹۹۸). از این رو، باید این واقعیت را بپذیریم که

1. Dixon
2. Pozas, Letzel & Schneider
3. Tomlinson
4. Dijkstra,
5. Curriculum Differentiation
6. Eisner
7. Aoki
8. Sierk
9. Van Manen
10. Kalbfleisch

موانع یادگیری در تعامل با برنامه درسی رخ می‌دهند و منحصر در ظرفیت ذاتی یادگیرنده نیستند. بنابراین، زمانی که تعلیم و تربیت شکست می‌خورد یا عقیم می‌ماند، نه یادگیرنده، بلکه برنامه درسی باید مسئولیت انطباق دهی را بر عهده بگیرد (روس و می‌یر، ۲۰۰۲).

جهت توجه به تفاوت‌های فردی در تعلیم و تربیت رویکردها و الگوهای متعددی مطرح شده‌اند. از جمله مهم‌ترین و شناخته شده‌ترین آنها می‌توان به الگوی آموزش متمایز^۲ یا برنامه درسی متمایز^۳ اشاره کرد. تاملینسن استدلال می‌کند که تفاوت بر دو رکن استوار است: ویژگی‌های کودکان و برنامه درسی. در رکن اول، آموزش می‌تواند برای پاسخ به سطوح آمادگی، علایق و سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان متمایز شود، و در رکن دوم متمایز سازی می‌تواند با متناسب‌سازی برنامه درسی در محتوا، فرایند و دست‌آورد اتفاق بیفتد. به عبارتی دیگر، برنامه درسی متمایز شده نیازهای متفاوت همه دانش‌آموزان در یک کلاس را مورد توجه قرار می‌دهد. مقصود از متمایز سازی برنامه درسی^۴ برای همه دانش‌آموزان، حصول اطمینان از این امر است که آن چیزی که یک دانش‌آموز یاد می‌گیرد، آن طوری که او یاد می‌گیرد و شیوه‌ای که او آموخته‌هایش را نشان می‌دهد با سطح آمادگی، علایق، و شیوه ترجیحی یادگیری او سازگار باشد (تاملینسن، ۲۰۱۴). متمایز سازی به دنبال عملکردی با کیفیت بالا برای تک تک دانش‌آموزان و دادن فرصتی به آنان جهت رشد توانمندی‌های ویژه خودشان است (تاملینسن، ۲۰۱۴، ص ۲۴). این رویکردی شناخته شده و اثبات شده در عمل است که به طور موثری به نیازهای متنوع دانش‌آموزان پاسخ می‌دهد (تاملینسن، ۲۰۱۴، کوبرگز و دیگران، ۲۰۱۷)^۵ و هم‌چنین منابع و استراتژی‌های متنوعی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا نیازهای یادگیری فردی آنها را برآورده کند (بافیله، ۲۰۰۹)^۶. در واقع، استراتژی‌های آموزشی متناسب با نیازها، علایق و توانایی‌های مختلف دانش‌آموزان برای افزایش موفقیت دانش‌آموزان طراحی می‌شوند (تاملینسون، ۲۰۱۴). شواهد تجربی در پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که آموزش متمایز اجرا شده است عملکرد بهتری نسبت به دانش‌آموزانی که این نوع آموزش را دریافت نکرده بودند، داشته‌اند و تأثیرات مثبتی بر پیشرفت آنان داشته است (ولیاندرز، ۲۰۱۵)^۸؛ رایز^۹ و دیگران، ۲۰۱۱).

1. Rose & Meyer
2. Differentiated instruction (DI)
3. Differentiated curriculum
4. Curriculum Differentiation
5. Tomlinson
6. Coubergs
7. Bafile
8. Valiandes
9. Reiss

در برنامه درسی تربیت دینی و معنوی که در نظام آموزش و پرورش ایران دارای اهمیت قابل توجهی است و بخش مهمی از اهداف نظام آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد (سعیدی رضوانی و دیگران، ۱۳۹۵)، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. صاحب‌نظران تربیت اسلامی بر اساس بینشی که عمدتاً مستند به روایات است و نیز به اتکای تجربه فردی و تجارب پژوهشی، بر فردی شدن آموزش بر اساس ظرفیت‌های مختلف افراد گوناگون تأکید دارند؛ زیرا تربیت دینی و اخلاقی به شدت به ظرفیت فکری و درونی فرد وابسته است و با درونی‌ترین لایه‌های وجودی مخاطبان سروکار دارد، که این خود می‌تواند مانعی برای امکان تربیت دینی و اخلاقی افراد بسیاری که آمادگی روحی و ذهنی آنها خارج از الگوی ارائه شده است، باشد. چنان که در آیات و روایات بسیاری بر تفاوت انسانها از لحاظ پذیرش عقلی و نیز از حیث تکلیف الهی تأکید شده است و حتی در برخی روایات به لزوم کتمان علم اشاره شده است (سعیدی و باغگلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱). به عنوان مثال سوره نحل آیه ۲۵: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: در اینجا خداوند دستور به دعوت گروهی با حکمت می‌دهد، گروه دیگری را در خور موعظه نیکو می‌داند، و عده‌ای دیگر را شایسته جدال احسن معرفی می‌کند. سوره بقره آیه ۲۸۶: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خداوند هیچ کس را تکلیف نمی‌کند مگر به قدر توانایی اش. این امر در کلام ائمه نیز دیده می‌شود، به عنوان نمونه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ»: «با مردم به اندازه عقلشان سخن بگو».

علی‌رغم اهمیت بالای تفاوت‌های فردی در برنامه درسی و تأکید اسناد فرادستی نظام آموزش و پرورش کشور همانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی، و تأکیدات صاحب‌نظران حوزه‌ی تربیت دینی بر لحاظ تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، در طول سالیان متمادی طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی دین و زندگی در آموزش و پرورش کشور، این اصل مورد کم توجهی واقع شده است. به گونه‌ای که اکنون آموزش‌های دینی و اخلاقی نه تنها جنبه فردی ندارد، بلکه حتی از توجه به خرده فرهنگ‌های کشور نیز غفلت ورزیده است (سعیدی و باغگلی، ۱۳۸۹ ص ۱۳۲). پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه همانند (سعیدی، ۱۳۸۹، ۱۳۸۰؛ کشاورز، ۱۳۸۷؛ سعیدی و باغگلی، ۱۳۸۹ ص ۱۳۲؛ ساجدی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰؛ شمشیری و نوذری، ۱۳۹۰؛ بت شکن و سعادت‌مند، ۱۳۹۴؛ رحمانی و میرشاه جعفری، ۱۳۹۵، و ...) بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی را به عنوان یکی از آسیب‌های مهم تربیت دینی برشمرده‌اند و خواستار توجه جدی و عالمانه به آن در تعلیم و تربیت دینی به ویژه درس دین و زندگی شده‌اند، و

تأکید کرده‌اند برنامه‌ریزی و آموزش دینی بدون توجه به نیازهای واقعی و توانایی‌های گوناگون متربیان به آموزش سطحی و عدم انگیزش در دانش‌آموزان برای یادگیری و دل‌زدگی آنان منجر شده است.

پر واضح است که اجرای هر برنامه‌ای ممکن است با چالش‌ها و موانعی مواجه شود. برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان نیز در عرصه‌ی عمل و اجرا با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود که نیاز به شناسایی و برطرف شدن دارند. چالش‌ها به معنای موانع تحقق برنامه هستند (عسکری و دیگران، ۲۰۲۰) که نسبت به برنامه درسی موجود، نقاط ضعف محسوب می‌شوند؛ اما نسبت به برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، به منزله موانع تحقق هستند. این چالش‌ها وجود دارند و می‌خواهیم از این چالش‌ها گذر نموده و بر آنها غلبه نماییم. برخی از چالش‌های اجرای برنامه درسی بر اساس توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در پژوهش‌هایی که انجام شده است بررسی و تحلیل شده‌اند. به عنوان مثال، سایام و النتور^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه خویش سه عامل: پشتیبانی ضعیف اداری و مدیریتی، حمایت کم والدین، نبود زمان و کمبود منابع یادگیری را به عنوان چالش‌های مهم در اجرای آموزش متمایز^۲ عنوان کردند. هم‌چنین شریفا و دیگران (۲۰۱۹) در پژوهشی چالش‌های آموزش متمایز از زبان معلمان را به ترتیب اهمیت، شش موضوع اصلی و مهم شامل زمان، منابع، دانش، اندازه کلاس، پشتیبانی مدیریت مدرسه، و حجم کاری بر شمرده‌اند. در مطالعه‌ی لاونیا و محمد نور^۳ (۲۰۲۰) نیز چالش‌های آموزش متمایز به ترتیب اولویت: کمبود یا عدم دانش درباره آموزش متمایز، محدودیت زمانی، اندزه کلاس (به لحاظ تعداد دانش‌آموز)، مدیریت مدرسه/ امکانات مدرسه، کمبود منابع، دانش‌آموزان، نقص در دانش روش شناسی تدریس، برنامه درسی، ویژگی‌های شخصیتی، عقاید و سبک‌های شخصی تدریس و طبیعت آموزش متمایز عنوان شده است. آنها این موانع را به دو دسته بیرونی و درونی دسته‌بندی کردند که هر کدام به قابل کنترل و غیر قابل کنترل تقسیم بندی شدند.

شناسایی عواملی که مانع از اجرایی سازی رویکرد برنامه درسی مبتنی بر تفاوت در حوزه‌ی تربیت دینی به طور ویژه درس دین و زندگی در نظام آموزش و پرورش کشور شده و راه را برای رفتن به سوی آن سد می‌کنند مسئله مهم و زیر بنایی است که به عنوان اولین گام تحقق بخشی این رویکرد باید مورد کندوکاو و تحلیل قرار گیرند. در همین راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که مهم‌ترین موانع و چالش‌های کنونی نظام آموزش و پرورش ایران در

1. Siam & Al-Natour
2. differentiated instruction(DI)
3. Lavania& Mohamad Nor

راه لحاظ تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در برنامه درسی دین و زندگی کدام هستند و چگونه می‌توان از این موانع عبور کرد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع پژوهش‌های کیفی است که به روش پدیدارشناسی انجام شده است. در این پژوهش، دیدگاه ۲۳ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران دانشگاهی و حوزوی و هم‌چنین دست‌اندرکاران مرتبط با حوزه تربیت دینی در آموزش و پرورش کشور مورد بررسی قرار گرفت.^۱ روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش، از نوع نمونه‌گیری هدفمند^۲ و ملاک‌محور بوده است. برای انجام این پژوهش و دسترسی به متخصصان جهت گردآوری داده‌ها به سه شهر تهران، مشهد و قم مراجعه شد. در شهر تهران «شورای عالی آموزش و پرورش»، «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و در شهر قم «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «موسسه فرهنگی لیل القدر (مرکز نشر و حفظ آثار صفائی حائری)»، «حوزه علمیه قم»؛ و در شهر مشهد «دانشگاه فردوسی مشهد»، «حوزه علمیه مشهد» و «مدرسه منجی» از سازمان‌های اصلی مورد مراجعه بوده‌اند. پژوهشگر اول با هماهنگی‌های صورت گرفته قبلی و اطلاع موضوع پژوهش به مصاحبه‌شوندگان با مراجعه به محل‌های مورد نظر به مصاحبه حضوری با متخصصان پرداخت. مدت زمان هر مصاحبه به طور میانگین یک ساعت بوده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌نیمه ساختار یافته استفاده شده است. مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر اول ضبط و سپس به صورت کامل به نوشتار درآمد و مورد تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش «تحلیل تفسیری» استفاده شده است. اعتبار داده‌های پژوهش از طریق بازبینی توسط همکار^۳ و همچنین جهت تکمیل و بررسی صحت اطلاعات داده‌های جمع‌آوری شده، امکان پیگیری‌های بعدی و تماس با مشارکت‌کنندگان نیز فراهم شد.

یافته‌های پژوهش

موانع و چالش‌های کنونی نظام آموزش و پرورش کشور در راه توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در برنامه درسی دین و زندگی از دیدگاه متخصصان پژوهش حاضر در جدول زیر عنوان شده است و به صورت تفصیلی در متن به شرح هر مورد نیز پرداخته شده است.

۱. مشارکت‌کنندگان پژوهش در «پیوست» مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

2. Purposed sampling

3. Peer debriefing



چالش‌های قبل از اجرا

در این بخش به به طور تفصیلی به چالش‌های قبل از اجرای برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی برنامه درسی دین و زندگی پرداخته می‌شود:

سیاست‌گذاری

• ضعف در سیستم آموزشی و برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان کشور

مصاحبه شوندگان یکی از مشکلات نظام آموزش و پرورش ایران در پرداختن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را ضعف در شیوه‌ی آموزشی نظام تربیت معلم کشور عنوان کردند. به اعتقاد آنان دانشجو - معلمان در این سیستم به طور صحیح و بر اساس فضای واقعی موجود در کلاس‌های درس مدارس، آموزش نمی‌بینند و برای مواجهه با طیف وسیعی از دانش‌آموزان منحصر به فرد آماده نمی‌شوند. به زعم آنان، متن محوری و غلبه‌ی آموزش‌های تئوریک در آموزش‌های تربیت معلم و عدم دست‌ورزی و کاورزی کارآمد برای معلمان، یکی از معضلات این مسیر است. یکی از مصاحبه شوندگان اظهار کرد: «در حال حاضر آموزش‌هایی که در تربیت معلم به دانشجو معلمان ارائه می‌دهیم کارگاهی و مهارت‌زا نیست، بلکه بیشتر بر بعد دانش تأکید می‌شود و روی بعد فنی و عملی چندان کار نمی‌کنیم» (۱).^۱ مصاحبه شونده دیگری نیز در این باره گفت «در سیستم تربیت معلم ما هنوز جای آموزش بر مبنای تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان خالی است. با وجود اینکه از نظریه‌های یادگیری، سبک‌های یادگیری گوناگون، مطالعه موردی و ... صحبت می‌کنیم اما ضعف ما در این است که تنها از آنها صحبت می‌کنیم اما پیاده نمی‌کنیم. دانشجو معلمان یاد نمی‌گیرند که چگونه یک تئوری یادگیری را در عمل پیاده کنند، برای همین در اجرای برنامه‌های درسی در مدارس همچنان یکسان‌سازی داریم» (۲). آنها هم چنین تأکید کردند کسانی که در تربیت معلم به دانشجو معلمان آموزش می‌دهند خودشان نیز باید از توانمندی و مهارت لازم در این زمینه برخوردار باشند. مصاحبه شونده‌ای بیان داشت: «پیشنهاد می‌کنم یک بازنگری جدی در سیستم آموزشی و برنامه‌های درسی تربیت معلم داشته باشیم چون تنها جایی که معلم دین و زندگی باید برای چنین شرایط متکثر و متنوعی آماده شود، تربیت معلم است زیرا به تنهایی معلم خیلی دشوار می‌تواند خود را برای چنین شرایطی در صحنه عمل آماده کند» (۳).

۱. کد مصاحبه شونده

• **ضعف سیستم تربیت معلم کشور در جذب و تربیت معلمان برخوردار از شایستگی حرفه‌ای**

مشارکت کنندگان پژوهش اظهار داشتند افرادی که به عنوان معلمان درس دین و زندگی جذب سیستم شده‌اند، افراد توانمند، دغدغه‌مند و علاقه‌مند به این حیطه نبوده‌اند. یکی از آنان این گونه گفت «متأسفانه ما شاهد ورودی‌های ضعیف هستیم و معلمان خوبی را در حوزه دین و زندگی جذب نکرده‌ایم، به گونه‌ای که گاهی برخی از آنها حتی اعتقادی به مسایل دینی ندارند اما معلم دینی شده‌اند، صرفاً به دلیل اینکه شاغل باشند. این عامل مانع مهمی در توجه به مشکلات و مسایل دینی فردی و جمعی دانش آموزان در مدارس می‌شود» (۱۷). صاحب‌نظران پژوهش تأکید کرده‌اند معلمان تربیت دینی باید از شایستگی‌های حرفه‌ای متناسب با این رویکرد برخوردار باشند. از آنجایی که اجرای برنامه درسی دین و زندگی مبتنی بر تفاوت‌های فردی نیازمند اجرای شیوه‌ی «معلم محور» است و اختیارات زیادی به معلم واگذار می‌شود، از این رو اگر نتوانیم وجود معلم واجد صلاحیت حرفه‌ای را تضمین کنیم، درصد اعظمی از این برنامه عملی نخواهد شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان افزود: «باید بتوانیم توان معلمان را با تدارک آموزش ویژه و متناسب با این رویکرد در آموزش‌های ضمن خدمت افزایش دهیم» (۱۴).

• «کنکور» عاملی برای یکسان سازی

به زعم مصاحبه‌شوندگان، در حال حاضر فعالیت‌های آموزش و یادگیری درس دین و زندگی تابعی از کنکور شده است و این امر سبب شده است معلمان آموزش خود را بر اساس کنکور تنظیم کنند. یکی از آنها در این باره بیان داشت «با توجه به اینکه دانش آموزان دوره متوسطه دوم برای کنکور آماده می‌شوند معلم دین و زندگی ما همانند دیگر معلمان مجبور است آموزش‌هایش را بر شیوه‌ی ارزشیابی کنکور مبتنی کند و برنامه‌ای برای توجه به تفاوت‌های فردی دانش آموزان برای هدایت متناسب با هر فرد ندارد» (۴). مصاحبه‌شونده دیگری نیز اظهار کرد: «فضای کنکور و رقابت از مشکلات و دشواری‌های جدی است که گریبان‌گیر دانش‌آموزان و معلمان ما شده است. زیرا معلمان را وادار می‌کند تا به طراحی تست پردازند و دانش آموزان هم درگیر تست زنی و یادگیری مبتنی بر موفقیت در کنکور می‌شوند، اینجاست که دیگر توجه به تفاوت‌های فردی جهت تربیت متناسب و درونی سازی محتوا در این گونه سیستم معنای خود را از دست می‌دهد چون کنکور و موفقیت در آن ملاک است» (۱۳). در دوره‌ی متوسطه دوم کنکور عاملی است که باید کتاب واحد، روش واحد، مفاهیم و واژگان یکسان ارائه دهیم. یکی از آنها اینگونه گفت: «به علت وجود کنکور معلم از طرف دانش آموز، خانواده و فضای آموزشی تحت فشار قرار می‌گیرد و در نتیجه تبدیل می‌شود به همان مطلوبی که آنها می‌خواهند، لذا این از آسیب‌های جدی ما در این مسیر است» (۷).

اهداف

• **انعطاف‌ناپذیری اهداف و عدم استقلال معلم در انطباق اهداف با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان**

مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که اهداف مربوط به درس دین و زندگی به گونه‌ای بی‌توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و بدون لحاظ سطوح و درجات توانمندی‌ها و ظرفیت‌های دانش‌آموزان منحصر به فرد، تعیین و تجویز شده‌اند. به گونه‌ای که انتظار می‌رود همه دانش‌آموزان باید به همه اهداف در نظر گرفته شده به یک میزان دست پیدا کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان داشت: «نباید اهداف و انتظارات یکسانی را برای همه دانش‌آموزان در نظر بگیریم تا همگان به یک اندازه به آن برسند، این عدالت نیست بلکه عدالت آن است که اهداف بر حسب هر دانش‌آموز فردی شوند و متناسب با سطح و توانمندی هر دانش‌آموز تعیین شود» (۲۰) جهت برون رفت از این وضعیت نیازمند اعطای رسمی اختیارات به معلم به عنوان مجری برنامه درسی هستیم تا بتواند ضمن توجه به تفاوت‌های دانش‌آموزان در ابعاد مختلف (از جمله ظرفیت و کشش، دانش پیشین، درجات ایمانی، نیازها، و ...) اهداف را متناسب با هر دانش‌آموز تنظیم و دنبال نماید.

طراحی

• حاکمیت رویکرد دیسپلین محوری در طراحی برنامه درسی

به زعم مصاحبه‌شوندگان به دلیل حاکمیت رویکرد دیسپلین محوری در طراحی برنامه درسی دین و زندگی، دانش‌آموز و اختصاصات او نادیده گرفته شده‌اند و طراحی حال حاضر با محوریت و تمرکز بر دانش‌مدون حوزه تربیت دینی انجام شده است. لذا باید از طراحی به شکل دیسپلین محوری صرف، عدول نماییم و تلفیقی از سه منبع دانش، دانش‌آموز و جامعه را در دستور کار قرار دهیم. در این راستا یکی از مصاحبه‌شوندگان توضیح داد: «در حال حاضر به دلیل تأکید و تمرکز بیش از حد بر انتقال دانش و محتوای دینی در طراحی برنامه درسی، بعد فردی دانش‌آموزان در طراحی برنامه درسی دین و زندگی مورد غفلت واقع شده است و این خود سبب انفعال و ایستایی برنامه درسی شده است». (۱۶) در واقع این نوع طرح دانش‌آموز را به برخورد سطحی و انفعالی با امر یادگیری ترغیب می‌کند. نیازها و علایق، توانمندی‌ها و تجربه گذشته دانش‌آموز در تصمیم‌گیری‌های مربوط به طراحی باید مورد توجه قرار گیرد.

تدوین

• **تمرکز محوری و یکسان‌نگری در تهیه و تدوین محتوا و عدم توجه به مولفه‌های بوم‌شناختی**

به زعم مصاحبه‌شوندگان از آنجایی که نظام آموزش و پرورش در کشور ما با میزان بسیار زیادی از تمرکز اداره می‌شود به تبع آن فعالیت‌هایی نظیر تولید و تهیه محتوا نیز به طور متمرکز تهیه و در اختیار استانها و مدارس همه نقاط کشور قرار می‌گیرد. تولید محتوای یکسان، پتانسیل پوشش توانایی‌ها، علایق و تجارب جامعه گسترده‌ی دانش‌آموزان سراسر کشور را ندارد و این شیوه می‌تواند با واگذاری برخی اختیارات تولید و تهیه محتوا به مناطق خرد سازگار با شرایط و اقتضائات، راهی برای کاهش تمرکز در تهیه منابع و در نتیجه عدالت آموزشی بیشتر باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت: «در کشور ما این امکان وجود دارد که با برنامه ریزی دقیق و شناسایی پتانسیل‌ها و توانمندی‌های نیروی انسانی متخصص حوزه تربیت دینی در مناطق مختلف کشور، در تهیه منابع یادگیری از تمرکز فاصله بگیریم و آن را به سطوح خرد واگذار کنیم، چون این امر سبب رشد، خلاقیت، تنوع بخشی و مطلوبیت محصولات یادگیری و در نتیجه پلی به سوی برنامه درسی مبتنی بر دانش آموز در حوزه دین و زندگی می‌شود» (۲۱). لذا توصیه به عدم تمرکز در انتخاب و سازماندهی محتواست که با امکان ایجاد رقابت، استانهای کشور بتوانند گزینه‌های متعددی را برای انتخاب داشته باشند. آنها همچنین اظهار داشتند اینک ما شاهد آن هستیم که در محتوای کتاب‌های درسی دین و زندگی شرایط بومی، محلی و منطقه‌ای و ویژگی‌های دانش‌آموزان در نظر گرفته نمی‌شود، چه بسا با لحاظ این تفاوت‌ها و گوناگونی‌های گسترده، بتوانیم با شواهد عینی و واقعی مربوط به منطقه دانش‌آموزان، مفاهیم دینی را بهتر به آنها منتقل و درونی‌سازی کنیم. مصاحبه‌شونده‌ای در این باره عنوان داشت: «در فرایند تألیف و تدوین محتوا باید تفاوت‌های خرده فرهنگ‌ها و بومی لحاظ شوند چون دانش‌آموزان مسایل معنوی و دینی را در قالب بوم‌شناخت و خرده فرهنگ مربوط به خودشان و تفاوت‌های فردی مختص خودشان تجربه می‌کنند» (۱۰).

• عدم تناسب محتوا با نیازهای گوناگون دانش‌آموزان

به زعم مصاحبه‌شوندگان، محتوای کنونی درس دین و زندگی به هیچ‌عنوان با نیازها، دغدغه‌ها، شبهه‌ها و مختصات زندگی دانش‌آموزان امروزی هم‌خوانی ندارد و این مسئله سبب دلزدگی و بی‌علاقگی آنان به یادگیری شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این راستا اظهار داشت «متن کتاب از هیچ جذابیتی برخوردار نیست و به صورت کاملاً خشک و بی‌روح و صورت جملات گاه

سنگین و غیر قابل فهم و بی توجه به سطح دانش آموز بیان شده است و هنگامی که دانش آموز آن را مطالعه می کند به سؤال‌ها و شبهه‌های دینی او پاسخ نمی دهد» (۱۱). یکی دیگر از مصاحبه شونده‌ها اظهار داشت: «دغدغه‌های برخی از دانش‌آموزان در مسایل دینی برخی چالش‌هایی است که به مسایل فرهنگی و اجتماعی ای بر می‌گردد که امروزه با آن مواجه هستند و می‌خواهند ببینند از جهت دینی نسبت به آنها چه پاسخی باید بدهند، در حالی که کتاب دین و زندگی و چهارچوب کلی آن قدیمی است» (۶). مصاحبه شونده‌ی دیگری نیز افزود: «دغدغه‌های اعتقادی که امروزه در جامعه وجود دارد باید در کتاب‌های دین و زندگی گنجانده شود و جایش خالی است» (۵) به اعتقاد مصاحبه شونده‌ها اگر بخواهیم تفاوت‌های فردی را در نظر بگیریم محتوا باید به نیازها، سوالات، شبهه‌ها و دغدغه‌های دانش‌آموزان گوناگون کلاس درس پاسخگو باشد.

چالش‌های حین اجرا

چالش‌هایی که هنگام اجرای برنامه درسی مربوط به دین و زندگی مبتنی بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان با آنها مواجه می‌شویم عبارتند از:

منابع و مواد یادگیری

• محدودیت در استفاده از منابع و مواد یادگیری متنوع آموزشی

در حال حاضر نظام آموزش و پرورش کشور ما در حوزه دینی همانند دیگر حوزه‌ها، از یک منبع مشخص و واحدی برای آموزش و یادگیری استفاده می‌کند و دانش‌آموزان کتابی با همین عنوان را به عنوان منبع اصلی یادگیری دریافت می‌کنند و معلمان نیز بر مبنای همین کتاب، با درجه بالایی از وفاداری به آموزش می‌پردازند. یکی از مشارکت‌کنندگان به ما گفت «معلم‌مان ما در انتخاب و معرفی منابع متناسب با شرایط و ویژگی‌های دانش‌آموزان کلاس دچار محدودیت هستند زیرا تنها منبع رسمی و معتبر برای یادگیری این درس یک کتاب واحدی است که خیلی از اوقات برای بخش زیادی از دانش‌آموزان نیز قابل درک و یادگیری نیست» (۱۸). معلمان دین و زندگی احتیاج دارند هم در شکل و نوع ارائه محتوا و هم در تعداد مواد یادگیری، تنوع و آزادی عمل داشته باشند تا بتوانند به نیازها و علایق دانش‌آموزان بیشتری پاسخ دهند. یکی دیگر از مصاحبه شونده‌ها اظهار داشت «اساساً تنوع بخشی به محتوا باید به صورت خیلی جدی اتفاق بیافتد. یعنی محتوا اصلاً نباید محتوای ثابتی باشد، بلکه محتوا باید از حالت بسته بودن خارج شود و در چند سطح مختلف تهیه یا حداقل معرفی شود. علاوه بر سطح، ابزار و رسانه‌ای که محتوا را می‌رساند باید متنوع باشد،

از قبیل کتاب، صوت، تصویر، موقعیت، فعالیت و...، در واقع آن چیزی که معلم با آن مواجه می‌شود باید مجموعه‌ای از گزینه‌ها باشد نه کتاب واحد و یکسان» (۲۲). مشارکت‌کننده‌ی دیگری بیان داشت: «برای لحاظ تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان محتوا باید به صورت سرفصل به معلمان ارائه شود» (۲). لذا نیازمند آن هستیم که منابع و مواد یادگیری متنوعی را در اختیار داشته باشیم تا ضمن فراهم آوردن فرصت‌های مختلف و جذاب برای یادگیری دانش‌آموزان، معلمان بر حسب شناختی که از دانش‌آموزان دارند متناسب با آنها به ارائه و معرفی منابع یادگیری بپردازند. این امر ضمن نزدیک شدن فرایند آموزشی به عدالت، حق انتخاب و آزادی عمل برای معلمان برای متناسب سازی و متمایز سازی درست و تاثیر گذار را میسر می‌کند.

روش، فضا و زمان

• ضعف دانشی و عملی معلمان در شیوه‌های تدریس برنامه درسی دین و زندگی

مصاحبه‌شوندگان ابراز داشتند روش‌های آموزش کنونی درس دین و زندگی در نظام آموزش و پرورش به گونه‌ای است که تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را پوشش نمی‌دهد. چرا که معمولاً از روش یکسان و بدون انعطاف استفاده می‌شود و غالباً ارائه درس به سبک سخنرانی و انتقال اطلاعات به صورت ذهنی انجام می‌گیرد. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اظهار کرد: «اگر به دانش‌آموزی که مهارت ورزش و دست‌ورز است آموزش ذهنی بدهیم، جواب نمی‌دهد، چون او دنبال این است که چیزی را درست کند، خلق کند و لذت می‌برد. به یک دانش‌آموز احساسی اگر بگوییم بنشین و گوش بده، بی‌اثر است، چون او می‌خواهد تحرک داشته باشد، حرکت کند، هیجان‌اش را نشان دهد و به وجد بیاید» (۲). مصاحبه‌شونده‌ی دیگری نیز تاکید کرد: «باید به این توجه داشته باشیم که دانش‌آموزان با رویکردها و سوال‌های مختلفی به فضای دینی وارد می‌شوند. معلم باید بر حسب تفاوت مخاطبانش سناریوهای مختلفی برای شروع و ختم بحث داشته باشد. بعضی‌ها ریمیده از مذهب‌اند، بعضی‌ها ناآشنا به مذهب‌اند، یا بعضی‌ها بیشتر مشکلات عاطفی و روانی دارند، بعضی‌ها هم مشکلات شناختی دارند، از این رو باید به این نکات و تفاوت‌های بین دانش‌آموزان توجه کرد و سپس آموزش را مبتنی بر آن نمود تا اثر گذار باشد». (۳) به زعم مصاحبه‌شوندگان، معلم باید به این نکته آگاهی داشته باشد که مباحثی که به صورت مشترک در کلاس درس مطرح می‌کند ممکن است برای همه مفید نباشد و برخی از دانش‌آموزان در حاشیه قرار گیرند لذا گاهی اوقات ارتباطات بیرون از کلاس برای دانش‌آموزانی که جدا افتاده‌اند لازم و ضروری می‌شود.

• عدم «جذابیت و برانگیزانندگی» فضا و محیط یادگیری دین و زندگی

برای پرداختن به تفاوت‌های فردی دانش آموزان در دین و زندگی نیاز به محیط و فضایی متنوع، جذاب و برانگیزاننده داریم به گونه‌ای که بتواند علایق، روحیات و ویژگی‌های دانش‌آموزان گوناگون را پوشش دهد و با آنها سازگار باشد. آموزش دین و زندگی در کلاس و پشت صندلی‌ها نمی‌تواند به افرادی دین دار و عامل به مباحث دینی و اعتقادی منجر شود. یکی از مصاحبه شوندگان در این رابطه اظهار کرد: «باید بتوانیم از ظرفیت‌های بیرون از ساختار و سازمان آموزش رسمی برای آموزش استفاده کنیم، یعنی بیرون آمدن از فضای کلاس و فضای مدرسه، چون تنوع دادن به فرصت‌ها و موقعیت‌های یادگیری در این درس خیلی مهم است» (۶). هم چنین یکی دیگر از آنها بیان داشت: «بعضی از بچه‌ها حوصله نشستن سر کلاس و گوش کردن به بحث‌های شبیه دین و زندگی را ندارند. اما اگر در یک فرصتی بتوانند موقعیت‌های دینی را درک کنند و از آن برداشت‌هایی داشته باشند و گفتگو نمایند، خیلی بهتر می‌توانند با اهداف درس ارتباط برقرار کنند» (۱۰). به اعتقاد مصاحبه شوندگان با تغییر دادن فضای یادگیری از کلاس درس و تنوع بخشی و انتخاب محیط‌های برانگیزاننده جهت انتقال مفاهیم دینی و تنظیم فرصت‌ها با نظر به استعدادها و توانایی‌ها یا سطح شناخت افراد می‌توان تا حدود زیادی در تحقق اهداف دینی موفق‌تر عمل کرد و به متناسب سازی آموزش‌ها پرداخت.

• عدم اختصاص «زمان لازم و کافی» به معلمان دین و زندگی در مدارس

مشارکت کنندگان نداشتن زمان و فرصت کافی برای پرداختن به همه دانش آموزان را یکی از دلایل و چالش‌های حین اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی در حوزه دین و زندگی عنوان کردند. به عنوان مثال یکی از آنها گفت «چگونه می‌توان به همه دانش آموزان توجه کرد و آموزش را متناسب با همه دانش آموزان کرد در حالی که معلم وقت کافی ندارد، اکنون در کلاس تنها دغدغه و ماموریت او این است که بتواند کتاب را به پایان برساند و وقتی برای این گونه فعالیت‌ها پیدا نمی‌کند» (۱۶). لذا، میزان ساعاتی که در طول هفته برای ارائه این درس در نظر گرفته می‌شود، با اهداف و انتظارات این درس متناسب ناست. پیشنهاد صاحب‌نظران پژوهش حاضر آن است که زمان بیشتری را در طول هفته در اختیار معلمان دین و زندگی قرار دهند تا بدون شتاب و نگاه کمی به انتقال دانش و اتمام محتوای مصوب و آموزش سطحی، با در اختیار داشتن زمان کافی به شناخت خوبی از دانش آموزان دست یابند و به آموزش واقعی و کمک به دانش آموزان بپردازند.

• اندازه کلاس / تعداد زیاد دانش آموزان در یک کلاس درس

به زعم مصاحبه شوندهگان تعداد زیاد دانش آموزان در یک کلاس سبب می‌شود معلم وقت کافی برای شناسایی و ارائه درس بر مبنای تفاوت‌های فردی آنان را نداشته باشد. یکی از آنها اینگونه اظهار کرد: «در یک کلاس ممکن است ۳۰ یا ۴۰ دانش آموز وجود داشته باشد، معلم فرصتی برای توجه به ویژگی‌ها، توانمندی‌ها، دغدغه‌ها، مسایل و.. دانش آموزان در کلاس پیدا نمی‌کند، لذا حتی اگر معلم بخواهد، در عمل نمی‌تواند به سمت متناسب سازی برنامه درسی بر حسب شاگردانش پیش برود» (۱). در واقع در صورتی معلم می‌تواند فرصت توجه به تفاوت‌های فراگیران را داشته باشد که در پی تمهیداتی تعداد دانش آموز در هر کلاس را کاهش دهیم تا زمان بیشتری برای پرداختن به همه دانش آموزان به طور شایسته‌تر داشته باشد و در نتیجه آموزش واقعی‌تر و موثرتر فراهم شود. اکنون جز در برخی مدارس غیر انتفاعی و خصوصی، در دیگر مدارس دولتی، تعداد فراگیران در هر کلاس از حد استاندارد بالاتر است و معمولاً با کلاس‌هایی شلوغ و پر جمعیت مواجه هستیم.

• عدم امکان استفاده کافی از فرصت‌های یادگیری برون مدرسه‌ای

محدودیت‌های مدارس برای فراهم آوردن زمینه‌ای جهت بهره‌گیری از فضاها و فرصت‌های یادگیری غنی برون مدرسه‌ای در درس دین و زندگی، از دیگر چالش‌های بیان شده توسط صاحب‌نظران پژوهش است. به اعتقاد آنان مکان‌های مذهبی و معنوی نظیر حرم‌های مطهر، امام‌زاده‌ها، مساجد، و حتی فضاها و مکان‌هایی که مرتبط با مفاهیم و موضوعات یادگیری درس دین و زندگی است نظیر بهزیستی، خانه سالمندان، محیط‌های فرهنگی - مذهبی، فضاها موجود در طبیعت، اردوها و سفرهای کوتاه مدت می‌توانند تاثیر بسیار بیشتری از فضای غیر منعطف و خسته‌کننده کلاس‌های مدرسه داشته باشد. به عنوان نمونه یکی از مصاحبه شوندهگان اظهار داشت: «امروزه در مدارس ما، این فرصت و امکانات خیلی کم در اختیار معلم دین و زندگی قرار می‌گیرد تا بتواند از فضاها متنوع آموزشی و معنوی درون جامعه و زندگی واقعی برای دانش آموزان استفاده کند. در حالی که باید این فرصت فراهم شود تا از ظرفیت‌های غنی دینی و فرهنگی محیطی جهت تاثیر گذاری عمیق‌تر و نایل شدن تعداد بیشتری از دانش آموزان به اهداف مورد نظر استفاده کرد» (۱۶). بنابر دیدگاه صاحب‌نظران مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر ما نیازمند آن هستیم در این زمینه اختیارات و منابعی را به مدیران مدارس اعطاء نماییم تا بتوانند برای این منظور از معلمان دین و زندگی حمایت لازم را فراهم آورند.

• ضعف ارتباط میان خانواده دانش آموزان و مدرسه

پرواضح است که برای شناخت بهتر و رسیدن به درک درستی از ویژگی‌های مربوط به هر دانش آموز نیازمند آن هستیم که بخش زیادی از اطلاعات را از طریق برقراری ارتباط با خانواده‌ها بدست آوریم. مصاحبه شوندگان معتقد بودند در حال حاضر ارتباط سازنده‌ای میان مدارس و خانواده‌ها وجود ندارد و شکافی جدی بین این دو نهاد اثرگذار وجود دارد. علت این امر را هم به کاستی‌های مدارس در ارتباط گیری با خانواده‌ها و هم عدم تمایل خانواده‌ها در برقراری ارتباط با مدارس عنوان کردند. یکی از صاحب نظران بیان داشت: «معلمان دین و زندگی نیاز دارند تا از فضای اعتقادی، مذهبی و فرهنگی و حتی سطح اجتماعی، اقتصادی خانواده‌های دانش آموز اطلاع کسب کنند تا بتوانند با شناخت صحیح پس زمینه‌های منحصر به فرد هر دانش آموز، راهکارها و روش‌های متناسب با آنها را به کار گیرند تا فعالیت‌های تربیت دینی معلمان موثرتر باشند». از این رو نیازمند تقویت ارتباط میان نهاد خانواده و مدرسه جهت کمک بهتر به دانش آموزان جهت دستیابی به نتیجه مطلوب در این حوزه می‌باشیم.

• ضعف و محدودیت امکانات و تجهیزات آموزشی فن آوران و روزآمد

بر اساس دیدگاه مشارکت کنندگان، یکی از عناصر مهم آموزش مبتنی بر تفاوت‌های فردی فراگیران آن است که بتوان در ارائه آموزش و محتوای یادگیری به صورت متنوع عمل کرد. اینک ضعف سخت افزاری و نرم افزاری مدارس کشور، از چالش‌هایی است که اجرای برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. زیرا همانطور که می‌دانیم سبک و شیوه یادگیری دانش آموزان از هم دیگر متفاوت است. لذا زمانی که معلم به علت نبود امکانات و تجهیزات آموزشی متنوع و روزآمد، به شیوه سنتی و از سخنرانی استفاده می‌کند و ابزارهای لازم برای دانش آموزانی که سبک یادگیری آنها دیداری و فعالانه و... است را در اختیار ندارد، امکان یادگیری موثر تنها برای تعداد محدودی از فراگیران فراهم می‌شود. بنابراین، نبود تجهیزاتی نظیر تخته‌های هوشمند، ویدئو پروژکتور، کامپیوتر و... در مدارس، سبب سلب فرصت‌های یادگیری متنوع برای دانش آموزان گوناگون می‌شود. یکی از مصاحبه شوندگان گفت: «متأسفانه خیلی از مدارس کشور هنوز به تجهیزات و فناوری‌های کمک آموزشی جدید که قدرت تاثیر گذاری بالایی هم دارند و با علائق و نیازهای نسل جدید دانش آموزان سازگارند، دسترسی ندارند که خب این مسئله به نوبه‌ی خود مانعی در تنوع بخشیدن به آموزش است». (۲۲).

ارزشیابی

حاکمیت شیوه ارزشیابی شناخت محور و نداشتن آزادی عمل معلمان در ارزشیابی

مصاحبه شونده‌گان اذعان داشتند تا زمانی که سیستم ارزشیابی از دانش آموز در درس دین و زندگی در نظام آموزش و پرورش کشور همانند دروس دیگر به صورت قلم و کاغذی است و شیوه ارزشیابی کتبی ارجحیت و صلاحیت دارد، ما نمی‌توانیم امیدی به ارزشیابی واقعی و مبتنی بر فرد داشته باشیم. مصاحبه شونده‌ای اظهار داشت: «در ارزشیابی باید دست معلمان را باز گذاشت، ارزشیابی دین و زندگی نباید از جنس قلم و کاغذی باشد؛ بلکه باید به صورت روندی و سنجش‌گر تحولاتی باشد که به مرور زمان در هر دانش‌آموز اتفاق می‌افتد که این امر از دانش‌آموزی به دانش‌آموز دیگر متفاوت است» (۱۴). هم‌چنین مصاحبه شونده‌ای دیگر در این راستا بیان کرد: «اصلاً نیازی نیست امتحان بگیرید. بهترین ارزیابی در درس دین و زندگی دیدن این نکته است که شخص در نوع انتخاب‌ها و نگرش‌هایش در زندگی و ادامه مسیرش چه تغییراتی را اعمال می‌کند، به نظرم این بهترین ارزیابی است» (۳). صاحب‌نظر دیگری نیز به این نکته اشاره کرد که: «در ارزشیابی دین و زندگی معلم باید شرایط و اقتضانات را در نظر گیرد و به این توجه کند که دانش‌آموز ابتدا کجا بود، چه وضعیتی داشت، و الآن به چه وضعیتی رسیده است» (۱۳). مصاحبه شونده‌گان معتقد بودند انتظار یکسان از همه دانش‌آموزان و تعیین استاندارد برای ارزشیابی صحیح نیست، چون همه نمی‌توانند به یک شکل در آیند و سطح توانایی و ظرفیت هر فردی متفاوت است.

نتیجه و بحث

توجه به تفاوت‌های فردی یادگیرندگان و ارائه برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیر و پاسخگو برای همه از موضوعات اساسی حوزه‌ی تعلیم و تربیت در سراسر دنیا است. در پژوهش حاضر، بررسی وضعیت موجود نظام آموزش و پرورش ایران نشان داد که به کارگیری و عملیاتی‌سازی رویکرد برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی در حوزه‌ی تربیت دینی و به‌طور ویژه درس دین و زندگی با چالش‌ها و موانع جدی‌ای در قبل و حین اجرای برنامه درسی مواجه است. به عبارتی، این چالش‌ها در برنامه درسی موجود درس دین و زندگی و شیوه اجرای آن وجود دارد. اما با توجه به تأکید سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی و هم‌چنین ضرورت‌هایی که در این پژوهش بیان شده است، توجه به تفاوت‌های فردی، یک ضرورت است، از این رو این واقعیت‌ها (چالش‌های پیش روی تحقق برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی) به عنوان موانع تحقق باید برطرف شوند. بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران پژوهش حاضر، نظام تربیت معلم کشور تاکنون در تربیت

معلمان شایسته و توانمند در حوزه‌ی تربیت دینی بویژه درس دین و زندگی نتوانسته به طور شایسته عمل کند. اکنون شاهد ورود نیروی انسانی فاقد صلاحیت لازم در مدارس هستیم که در صحنه عمل، مهارت مواجه شدن با خیل متنوع و متکثر و روبه رشد دانش آموزان در کلاس‌های درس را ندارند. ضروری است برای پوشش دانش آموزان کثیر با سطوح متفاوتی از دین داری، فهم مذهبی، توانمندی‌ها، ظرفیت‌های گوناگون و ناهمگن، معلم علاوه بر برخورداری از دانش تئوری، از مهارت و توانمندی عملیاتی سازی دانش‌ها نیز برخوردار باشد. نقش معلم و مربی در تربیت دینی بسیار حائز اهمیت و حیاتی است، چه بسا معلمی با به کارگیری شیوه‌ی صحیح و متناسب با دانش آموز او را به یک فردی با اعتقادات و باورهای مناسب دینی تبدیل کند و یا برعکس با بی‌توجهی و عدم درک ظرفیت و تفاوت‌های دانش آموز او را به یک فرد ضد دین تبدیل نماید. لذا به نظر می‌رسد نظام تربیت معلم کشور باید یک بازنگری جدی در جذب، آموزش و تربیت معلمان دینی داشته باشد.

از طرف دیگر، در نظام آموزش و پرورش کشور، وجود اهداف عملیاتی غیر قابل انعطاف سبب شده معلمان اختیار کافی و رسمی برای متناسب سازی اهداف بر حسب هر دانش آموز را نداشته باشند و به ناچار از همه دانش آموزان انتظار یکسان داشته باشند. لذا باید ضمن انعطاف پذیری، اختیارات لازم در این حوزه را به معلم واگذار کنیم تا او بتواند متناسب با دانش آموزان کلاس به تعیین هدف و سطح انتظار بپردازد. هم چنین برنامه درسی دین و زندگی در مدارس بر اساس مختصات آزمون کنکور تا حد بسیار زیادی دچار ضعف شده و از رسالت خود دور شده است. اکنون اصول و قواعد حاکم بر فعالیت‌های یاددهی-یادگیری دین و زندگی دوره متوسطه دوم تحت سیطره‌ی آزمون کنکور کاملاً تغییر ماهیت داده، تست محوری و حافظه مداری در مرکز اقدامات آموزشی قرار گرفته است. پر واضح است که در این شرایط یاددهی-یادگیری، تفاوت‌های فردی اهمیتی ندارند زیرا فهم، عملکرد و نهادینه سازی آموزه‌های دینی از چرخه رسالت‌های این ماده‌ی درسی به طور ناخواسته در صحنه‌ی عمل حذف و به جای آن، موفقیت در کنکور و حفظ ماشینی مطالب، محور و اولویت قرار می‌گیرد. این معضلی جدی است که نظام آموزش و پرورش باید به حال آن فکری کند در غیر این صورت همچنان شاهد شکست بخش عمده‌ای از اهداف این ماده‌ی مهم درسی به علت کنکور در مدارس خواهیم بود.

در حوزه طراحی برنامه درسی دین و زندگی نیاز است از رویکرد دیسیپلین محوری صرف فاصله گرفته و به سمت لحاظ اختصاصات فردی دانش آموزان و رویکرد دانش آموز محور حرکت کنیم. هم چنین ضروری است از تمرکز محوری و یکسان نگری در تهیه و تدوین محتوا و

بی‌توجهی به مولفه‌های بوم شناختی عدول نماییم و مولفه‌ها و فاکتورهای بومی محلی، منطقه‌ای و به طور کلی سطح خرد را مورد توجه دقیق قرار دهیم، این امر نیازمند این است که ضمن شناسایی ظرفیت‌ها و امکانات سطح خرد، به آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز در مناطق پردازیم، زیرا همان گونه که می‌دانیم این پتانسیل ارزشمند در مناطق مختلف کشور به نحو احسن وجود دارد.

عدم تناسب محتوا با نیازهای گوناگون دانش آموزان به عنوان یک چالش در مسیر متناسب سازی برنامه درسی دین و زندگی اعلام شده است. رفع این مانع نیازمند شناسایی دقیق نیازها، مسایل و دغدغه‌های دانش آموزان و در نظر گرفتن اقتضانات جامعه کنونی است. هم چنین با توجه به محدودیت در زمینه منابع و مواد یادگیری و تک منبعی بودن (کتاب واحد) نیازمند تهیه و تولید مواد یادگیری متنوع و متناسب با تفاوت‌های فردی می‌باشیم و باید این فرصت را در اختیار معلمان و دانش آموزان قرار دهیم تا حق انتخاب و امکان استفاده از مواد یادگیری متنوع و مناسب را داشته باشند.

معلمان از عناصر اصلی و محوری اجرای رویکرد برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان هستند، از این رو ضروری است در شیوه‌های تدریس و استراتژی‌های یاددهی-یادگیری نیز توانایی و شایستگی‌های لازم را کسب کنند و از طرفی نیز زمان لازم در اختیار معلمان قرار داده شود و هم چنین تعداد بالای دانش آموزان در کلاس نیز باید به حد مناسب و معقولی برسد تا فرصت بیشتری برای پرداختن به دانش آموزان مختلف از سوی معلم فراهم گردد که این امر نیازمند برنامه‌ریزی از سوی مدیریت مدرسه است. جهت لحاظ ویژگی‌های یادگیرندگان متفاوت هم چنین لازم است فضا و محیط یادگیری از تنوع و جذابیت لازم برخوردار باشد تا بتواند نیاز و سلیقه و علاقه همه دانش‌آموزان را پوشش دهد که این ویژگی در حال حاضر در محیط یادگیری دین و زندگی وجود ندارد و «کلاس» با مختصات قدیمی‌اش، تنها محیط یادگیری است، در حالی که می‌توان از فرصت‌ها و موقعیت‌های متنوع دینی، مذهبی، فرهنگی و تربیتی خارج از مدرسه جهت تقویت این ویژگی استفاده شود که نیازمند همکاری و برنامه‌ریزی از سوی مدیریت مدرسه و معلم است.

در حال حاضر ارتباط مطلوبی میان مدرسه و خانواده وجود ندارد در حالی که با برقراری ارتباط سازنده میان مدرسه و خانواده‌ی دانش آموزان می‌توان بسیاری از اطلاعات مفید و راهگشا به ویژه در زمینه اعتقادی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی مربوط به خانواده دانش‌آموز را کسب نموده و آنها را در اختیار معلم دین و زندگی قرار داد تا بتواند با شناخت صحیح و کافی از هر دانش‌آموز و پیشینه او، برنامه‌ای متناسب با او تدارک ببیند، لذا بایسته است که این ارتباط تاثیرگذار، با تدابیر ویژه توسط مدیریت مدرسه افزایش یابد.

استفاده از ابزارهای روزآمد و تجهیزات آموزشی روزآمد از دیگر عوامل مهمی است که در اجرای برنامه درسی مبتنی بر تفاوت‌های فردی فراگیران کمک قابل توجهی می‌کند در حالی که بیشتر مدارس کشور اکنون در این زمینه در سطح بسیار ضعیفی قرار دارند، از این رو ضروری است تا تقویت‌ها و پشتیبانی‌های لازم در این خصوص انجام گیرد. هم چنین، ارزشیابی رایج کنونی - آزمون‌های قلم کاغذی و شناخت محور و یکسان برای همه - در آموزش و پرورش از مواردی است که با رویکرد اجرای برنامه درسی با توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران در تضاد است و قابلیت سنجش صلاحیت‌های کسب شده دینی در دانش آموزان گوناگون را ندارد لذا در این زمینه نیازمند آن هستیم که به سمت ارزشیابی‌های دانش آموز محور، متنوع و سنجش‌گر بیش و عمل توامان با سنجش دانش، حرکت کنیم.

با نگاهی متأملانه به یافته‌های پژوهش حاضر، ریشه‌ی چالش‌های عنوان شده را می‌توان در غلبه‌ی روح تمرکز بر تار و پود نظام آموزش و پرورش کشور دانست. این غلبه به گونه‌ای است که حتی تلاش‌های فردی متعهدانه و مبتکرانه برخی معلمان، برای لحاظ تفاوت‌های فردی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. در صورت بی‌توجهی به تفاوت‌های بی‌شمار میان یادگیرندگان در نقاط مختلف کشور، این فرصت‌های بالقوه ارزشمند، در نهایت ناخواسته زمینه‌ساز بروز تهدیدات بی‌شمار (از جمله ضدیت با دین، دین‌گریزی، بی‌هویتی، غرب‌گرایی، پوچ‌اندیشی و ...) و به طور خلاصه، عدم توفیق در تحقق اهداف در این حوزه از تربیت خواهد شد. لذا برای بهبود و اصلاح وضع موجود نیاز است ضمن فاصله گرفتن از تفکر مدیریتی تمرکز محور، به آزاد سازی برنامه‌های درسی و تصمیمات آموزشی و واگذاری اختیارات به سطوح پایین‌تر پردازیم و در کنار آن، با پرورش شایستگی‌های محوری در مجریان و تصمیم‌گیرندگان برنامه درسی سطح خرد، حمایت‌های لازم را نیز فراهم آوریم تا بدین وسیله ضمن نزدیک‌تر شدن به عدالت آموزشی، به تحقق بهتر و بیشتر اهداف تربیتی و اخلاقی برنامه درسی دین و زندگی نایل آییم، همان روشی که ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، قرآن کریم و دیگر منابع دینی و تربیتی بر آن تاکید فراوان نموده‌اند.

پیوست

از همه افرادی که با سعه صدر، مساعدت و به اشتراک گذاشتن دانش، تجربه و اختصاص وقت گرانبهای خویش ما را در انجام این پژوهش یاری رسانده‌اند، کمال تقدیر و تشکر به عمل می‌آید:

-تهران: شورای عالی آموزش و پرورش: - دکتر محمود امانی طهرانی، دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش، - دکتر غفت بلوسی، مدیر کمیسیون برنامه‌های درسی و تربیتی شورای عالی آموزش و پرورش. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی: - دکتر حسن ملک، معاون وزیر

آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، - دکتر کوروش امیری نیا، سرپرست دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری، - دکتر صدوقی، سرپرست وقت دفتر تألیف کتاب‌های درسی آموزش عمومی و متوسطه نظری، - دکتر سید محمد دلبری، رئیس گروه قرآن و معارف اسلامی، - دکتر یاسین شکرانی، کارشناس گروه قرآن و معارف اسلامی و عضو شورای برنامه ریزی و تألیف درس دین و زندگی دوره متوسطه دوم، - دکتر اعتصامی: عضو گروه قرآن و معارف اسلامی و عضو شورای برنامه ریزی و تألیف درس دین و زندگی دوره متوسطه دوم. تهران: - دکتر ماهرخ حسن زادگان رودسری، مولف کتاب طراحی فعالیت‌های یادگیری بر اساس ایناگرام (تیپ شناسی) در دوره ابتدایی و کتاب ایناگرام: تیپ شناسی نه گانه شخصیت‌ها، عضو هیئت علمی گروه تربیت حرفه‌ای دانشگاه فرهنگیان تهران. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: دکتر محمد داودی، مدیر گروه و عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، - دکتر سید علی حسینی زاده ده آبادی، عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، - حجت الاسلام محمد بهشتی، عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، - دکتر علی لطیفی، عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی. قم: موسسه فرهنگی ليله القدر (مرکز نشر آثار و اندیشه‌های استاد صفائی حائری): - حجت الاسلام اسکندری (شاگرد مرحوم صفائی حائری)، - حجت الاسلام غنوی (شاگرد مرحوم صفائی حائری)، قم: حجت الاسلام ربانی نژاد (نماینده مقام معظم رهبری در جنوب لبنان در نوزده دوره، امام جمعه سابق شیعیان استان رقه سوریه، نماینده تبلیغی سابق جمهوری اسلامی ایران در دانمارک و ...)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد: - دکتر عباس جوارشکیان، دانشیار گروه آموزشی فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی و از مولفان کتاب درسی دین و زندگی، - دکتر ناهید مشائی، عضو هیئت علمی گروه آموزشی معارف اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، - دکتر سکینه سلطانی کوهبنانی، عضو هیئت علمی گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، - دکتر سید محسن اصغری نکاح (عضو هیئت علمی گروه روانشناسی مشاوره و تربیتی و مدیر مرکز مشاوره آستان قدس رضوی)، حوزه علمیه مشهد: - حجت الاسلام مجتبی الهی خراسانی، (استاد درس خارج فقه و مشاور امور راهبردی رئیس دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی و ریاست میز تخصصی «توسعه و توانمندسازی علوم اسلامی» دفتر تبلیغات اسلامی) حوزه علمیه قم. - علی شاملو، مشاور مذهبی و فعال در زمینه تربیت دینی دانش آموزان و کتاب‌های تربیت اخلاقی و دینی. مدرسه منجی (از مدارس سرآمد و فعال در حوزه توجه به تفاوت‌های فردی دانش آموزان در مشهد): - آقای روحانی، از مولفان سابق و معلم دین و زندگی، ۲۳- آقای نوفرستی دکتری مدیریت آموزشی و معلم مدرسه منجی.

منابع

۱. قرآن، ترجمه محمد رضا صفوی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ترجمه بر اساس المیزان.
۲. بت شکن، رضوان؛ زهره سعادت‌مند (۱۳۹۴)، آسیب شناسی برنامه درسی دینی پیش دبستانی از دیدگاه متخصصان و مربیان دینی کنفرانس بین المللی مهندسی و علوم کاربردی، امارات، دب.ی.
۳. راهنمای برنامه درسی قرآن و تعلیمات دینی دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی (۱۳۸۸)، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، گروه‌های تعلیم و تربیت دینی و قرآن.
۴. رحمان پور، محمد، و سید ابراهیم میرشاه جعفری (۱۳۹۵)، «آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه ریزی درسی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۲، ص ۳۱-۵۲.
۵. سعیدی رضوانی، محمود و حسین باغگلی (۱۳۸۹)، نقدی بر روش‌های تربیت دینی (با تأکید بر برنامه درسی پنهان)، مشهد، به نشر.
۶. سعیدی رضوانی، محمود و دیگران (۱۳۹۵)، «بررسی دیدگاه دانش آموزان پایه سوم دوره متوسطه پیرامون تحقق اهداف قلمرو «عمل و رفتار»، برنامه درسی دین و زندگی»، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱، ۲(۲)، ص ۹۹-۱۲۷.
۷. شمشیری، بابک و مرضیه نوذری (۱۳۹۰)، «آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، علوم دینی و ادبیات کودکان و مربیان پیش دبستانی»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۱۲، ص ۵۱-۷۳.
۸. فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۲)، برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید؛ شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی، جلد اول، تهران: آبیژ.
۹. کشاورز، سوسن (۱۳۸۷)، «شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، ۶، ص ۹۳-۱۲۲.
۱۰. مهرمحمدی، محمود (۱۳۷۸)، «ارزیابی شیوه‌های رویارویی برنامه درسی و آموزش با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۵۷، ص ۱۱-۲۷.
11. Askari F, Mirzaianajmabadi K, Saedy Rezvani M, Asgharinekah SM. (2020), Sexual health education issues (challenges) for adolescent boys in Iran: A qualitative study. *Journal of Education and Health Promotion*. Vol, 9: 33.

12. Bafile, C. (2009), Different strokes for little folks: Carol Ann Tomlinson on differentiated instruction. *Education World*. Online. Retrieved from http://www.educationworld.com/a_issues/chat/chat107.shtml.
13. Coubergs, C., Struyven, K., Vanthournout, G., Engels, N. (2017), Measuring teachers' perceptions about differentiated instruction: The DI-Quest instrument and model. *Studies in Educational Evaluation* 53:41-54.
DOI: 10.1016/j.stueduc.2017.02.004.
14. Dijkstra, E. M., Walraven, A., Mooij, T. & Kirschner, P. A. (2016), 'Improving kindergarten teachers' differentiation practices to better anticipate student differences.' *Educational Studies*, 42 (4), pp. 357-77.
<https://doi.org/10.1080/03055698.2016.1195719>.
15. Guild, P. B. (2001), Diversity, Learning Style and Culture. *New Horizons for Learning*. [Online] <http://www.newhorizons.org/strategies/styles.guild.htm> [15 May 2005].
16. Levy, Holli. M. (2008), Meeting the Needs of All Students through Differentiated Instruction: Helping Every Child Reach and Exceed Standards, *Differentiated Instruction*, Vol. 81, No. 4. Pp: 161-164.
<https://doi.org/10.3200/TCHS.81.4.161-164>.
17. Meyer, A., Rose, D, & H, Gordon. (2014), *Universal Design for Learning: Theory and Practice*, CAST Professional Publishing. ISBN: 978-0989867405.
18. Lavania, m., Bt Mohamad Nor, f. (2020), Barriers in differentiated instruction: a systematic review of the literature. *Journal of Critical Reviews*, Vol 7, Issue 6. pp: 293-297. DOI: <http://dx.doi.org/10.31838/jcr.07.06.51>.
19. Reis, S. M., Mccoach, D. B., Little, C, A., Muller, L, M. (2011), The Effects of Differentiated Instruction and Enrichment Pedagogy on Reading Achievement in Five Elementary Schools. *American Educational Research Journal* 48(2):462-501. DOI: 10.3102/0002831210382891.
20. Siam, K., Al-Natour, M. (2016), Teacher's Differentiated Instruction Practices and Implementation Challenges for Learning Disabilities in Jordan. *International Education Studies* 9(12):167. DOI: 10.5539/ies.v9n12p167.

21. Shareefa, M., Mat Zin, R, A., Midawati Abdullah, N, Z., Jawawi, R. (2019), Differentiated Instruction: Definition and Challenging Factors Perceived by Teachers. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, vol 388. 3rd International Conference on Special Education. Pp: 322-327.
22. Sierk, J. (2014), Currere and the beauty of soulful classroom moments. *The Nebraska Educator: a Student- led Journal*. 16, pp:135-145. <http://digitalcommons.unl.edu/nebeducator/16>.
23. Tomlinson, C. A., & Kalbfleisch, M. L. (1998), Teach me, teach my brain: A call for differentiated classrooms. *Educational Leadership*, 56(3), 52-55.
24. Tomlinson, Carol A. (2014), *The differentiated classroom: Responding to the needs of all learners*. Second edition, USA, Alexandria.
25. Tomlinson, C. A., Brighton, C., Hertberg, H., Callahan, C. M., Moon, T. R., Brimijoin, K., Conover, L. A. & Reynolds, T. (2003), 'Differentiating instruction in response to student readiness, interest, and learning profile in academically diverse classrooms: a review of literature.' *Journal for the Education of the Gifted*, 27 (23), pp. 119-45. <https://doi.org/10.1177/016235320302700203>.
26. Valiandes, S. (2015), Evaluating the Impact of Differentiated Instruction on literacy and reading in Mixed Ability Classrooms: Quality and Equity Dimensions of Education Effectiveness. *Studies In Educational Evaluation*: 17-26. DOI: 10.1016/j.stueduc.2015.02.005.